

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پپه اسکوبار، تحلیلگر ژئوپلیتیک و خبرنگار ویژه پورتال آسیا تایمز
برگردان: ا. م. شیری
۰۴ می ۲۰۲۳

ستراتژی چند وجهی ایران

اتحاد ستراتیژیک روسیه و ایران تقریباً به عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر تاریخی به نظر می‌رسد. این، یادآور زمانی است که اتحاد جماهیر شوروی سابق پس از محاصره از سوی امریکا و اروپا از طریق کوریای شمالی به ایران کمک نظامی کرد.

پوتین و رئیسی روابط دو کشور را به سطح جدیدی ارتقا می‌دهند. مسکو و تهران در حال توسعه ستراتیژی مشترک برای مقابله با استفاده از تحریم‌ها توسط غرب به عنوان یک سلاح هستند.

در همه حال، ایران سابقه فوق‌العاده در کار در هم شکستن گزینه‌های «فشارهای حداکثری» دارد. علاوه بر این، اکنون با چتر هسته‌ای ستراتیژیک سه قدرت روسیه، هند، چین در گروه بریکس گره خورده است.

به این ترتیب، تهران اکنون می‌تواند برای توسعه ظرفیت اقتصادی گسترده خود از طریق طرح یک کمر بند- یک جاده، به عنوان مثال در سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و مشارکت در «اوراسیای بزرگ» به رهبری روسیه برنامه‌ریزی کند.

بازی مسکو در اتحاد ستراتیژیک نفتی سطح بالا با عربستان سعودی و در عین حال، تعمیق مشارکت ستراتیژیک خود با ایران واقعاً پیچیده است.

ایران بلافاصله پس از سفر پاتروشف به تهران، از توسعه راکت بالستیک مافوق صوت خود خبر داد که بسیار شبیه «کینژال-خ-۴۷ ام ۲» روسیه است.

و یک خبر مهم دیگر در ارتباط با ایران، تکمیل ساخت بخشی از راه آهن از بندر ستراتیژیک چابهار تا مرز با ترکمنستان بود. این به معنای ارتباط مستقیم ریلی ایران با کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و چین است.

حالا، نقش غالب اوپک پلاس، توسعه بریکس پلاس و تلاش عمومی اوراسیائی برای تعیین قیمت‌های تجارت، بیمه، امنیت، سرمایه‌گذاری به روبل، یوان، ریال و غیره را به این‌ها اضافه کنید.

این یک واقعیت آشکار است که تهران به دفع‌الوقت بی‌پایان دسته‌جمعی غرب در مورد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که به عنوان «توافق هسته‌ای ایران» شناخته می‌شود، اهمیت نمی‌دهد. آنچه در حال حاضر واقعاً مهم است تعمیق روابط با بریکس است.

تهران از امضای پیش‌نویس جعلی توافق هسته‌ئی اتحادیه اروپا در وین خودداری کرد. بروکسل خشمگین بود. جایگزینی نفت ایران با نفت روسیه، اروپا را «نجات» نخواهد داد. واشینگتن از این که نتوانست با حمایت از اختلافات درون اوپک، آن را تقسیم کند، خشمگین بود. با توجه به تمام موارد فوق، تعجبی ندارد که اندیشکده‌های تراس‌های امریکائی مانند یک دسته مرغ تازه سر بریده رفتار می‌کند.

در صف پیوستن به بریکس

در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در سمرقند در سپتامبر گذشته، برای همه بازیگران مشخص بود که چگونه امپراتوری نزدیکترین متحدان خود را نابود می‌کند.

و در عین حال، کوچک شدن «حوزه ناتو» به سمت داخل می‌چرخد؛ بر «دشمنان داخلی» تمرکز می‌کند؛ شهروندان عادی را بی‌رحمانه به گوشه می‌رانند و آن‌ها را مجبور می‌کند تا با جنگ دوگانه - ترکیبی و غیره علیه رقباء- روسیه و چین همگام شوند و کاملاً موافقت کنند.

حالا این را با شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین در سمرقند مقایسه کنید که چین و روسیه را با هم به عنوان بالاترین «قدرت‌های مسؤؤل جهانی» که به دنبال ایجاد جهان چند قطبی هستند، معرفی کرد.

آنچه که به بریکس مربوط می‌شود، این است که «بیش از ده کشور»، از جمله، ایران برای عضویت در آن در صف ایستاده‌اند. در این رابطه لاوروف گفت: «ما انتظار داریم که کار بر روی معیارها و اصول مورد توافق که باید مبنای گسترش بریکس باشد، زیاد طول نمی‌کشد. اما ابتداء لازم است پنج عضو پیشگام، پیامدهای گسترش بریکس را تحلیل کنند».

و دوباره تقابل: واکنش اتحادیه اروپا به این تحولات چیست؟ اعمال بسنه دیگری از تحریم‌ها علیه مسؤؤلان و مقامات مرتبط با سازمان‌های «انتظامی و امنیتی» ایران و راه‌اندازی کارزار علیه آن‌ها به اتهام «خشونت و سرکوب». در تاریخ معاصر اتفاقات عجیب‌تری می‌افتد. آشتی ایران و عربستان با میانجی‌گری چین، مذاکرات چهار جانبه روسیه، ایران ترکیه و سوریه، حمایت عربستان از بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و ... از آن جمله اتفاقات و همه به نحوی مرتبط با ستراتیژی چند وجهی ایران است.

منبع: [مطبوعات آزاد](#)

۱۳ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۲